

## دکتر تیبریوس راتا، الهیات عهد عتیق، جلسه ۵، خدا به عنوان قانونگذار

تیبریوس راتا و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر تیبریوس راتا هستم در تدریس الهیات عهد عتیق. این جلسه ۵، خدا به عنوان قانونگذار است.

سلام به همه. امروز، ما قرار است در مورد خدا به عنوان قانونگذار صحبت کنیم، و در واقع قرار است با عهد جدید شروع کنیم زیرا عهد جدید نشان می‌دهد که شریعت برای چه بوده و هدف آن چه بوده است. پطرس، به ویژه پولس، در رومیان وقتی در مورد چگونگی آشکار شدن گناه و ماهیت گناه توسط شریعت صحبت می‌کند، زیاد در مورد هدف شریعت صحبت می‌کند. اما در عین حال، همانطور که پطرس در اول پطرس ۱:۱۶ می‌گوید، تقدس خدا را آشکار کرد. بنابراین به همین دلیل است که وقتی به شریعت نگاه می‌کنیم، نمی‌توانیم فقط به مقررات، بایدها و نبایدها فکر کنیم.

بنابراین، شریعت تنظیم‌کننده است، اما در عین حال وحیانی نیز هست. بنابراین وقتی لایوان را نمی‌خوانیم، بخشی را از دست می‌دهیم، بخش بسیار مهمی از اینکه خدا کیست، زیرا خدا مقدس است و خود را به عنوان مقدس آشکار می‌کند، به خصوص در لایوان. بنابراین، شریعت، دوباره، برای آشکار کردن گناهکاری، آشکار کردن ماهیت گناه، آشکار کردن قدوسیت خدا، و جلوگیری از گناه وجود داشت.

اما در نهایت، همانطور که عیسی در لوقا ۲۴ گفت، هدف هدایت اسرائیل به سوی مسیح بود. در غلاطیان پولس می‌نویسد: «پیش از آمدن ایمان، ما اسیر شریعت در زندان بودیم تا ایمانی که در راه است آشکار، ۳:۲۳ شود.» بنابراین، شریعت سرپرست یا معلم ما بود، یا از آنجا که کلمه معلم یا معلم خصوصی یا قیم را داریم.

بنابراین، شریعت تا زمان آمدن مسیح، راهنمای ما بود تا ما از طریق ایمان عادل شمرده شویم. بنابراین شریعت قرار بود ما را به مسیح هدایت کند، و این کار را هم می‌کند. اما حقیقت این است که شریعت محدودیت‌هایی داشت.

و ما این را به وضوح می‌بینیم. نویسندگان عبرانیان نیز به روشنی می‌نویسد که شریعت نمی‌تواند کسی را در رابطه‌اش با خدا به کمال برساند. اگر کمال از طریق کهانت لای قابل دستیابی بود، زیرا مردم شریعت را دریافت کردند، چه نیازی به ظهور کاهن دیگری از رتبه ملک‌یصداق به جای کاهنی به نام هارون بود؟ بنابراین، عیسی نمی‌توانست کاهنی از رتبه هارون یا لای باشد زیرا از آن نسل نبود.

بنابراین، همانطور که نویسندگان عبرانیان به ما می‌گویند، او کاهنی از رتبه ملک‌یصداق بود. بنابراین، دوباره محدودیت‌هایی برای شریعت وجود دارد. و نویسندگان عبرانیان دوباره به ما می‌گویند که عهد جدید برتر از عهد موسی است.

بنابراین، دوباره، ما روز دیگر به عهد جدید نگاه کردیم و اینکه چگونه بسیاری از وعده‌های عهد جدید از عهد موسی تجدید می‌شوند. می‌دانید، شریعت، وجود ندارد، شریعت متفاوتی نیست. تفاوت این است که اکنون از طریق روح القدس در قلب نوشته شده است.

بخشش گناه در عهد عتیق وجود داشت. خوب، حالا در عهد جدید هم وجود دارد، اما آنچه برتر است شخص عیسی است. شخص آن شخص برتر است.

نه فقط واسطه، بلکه این قربانی بهتر نیز. این امر عیسی را ضامن عهدی بهتر می‌کند. و باز هم، عبرانیان ۸:۶، اما در حال حاضر، مسیح خدمتی را به دست آورده است که به همان اندازه عالی‌تر از عهد عتیق است، زیرا عهدی که او واسطه آن است بهتر است زیرا بر اساس وعده‌های بهتری وضع شده است.

پس چرا اصلاً خودمان را با شریعت اذیت می‌کنیم؟ خوب، باید به نوعی به دوم تیموتائوس ۳ برگردیم تا ببینیم پولس در آیه‌ای که دوست داریم در مورد کتاب مقدس نقل کنیم، چه می‌گوید. کتاب مقدس قدیمی، دوم تیموتائوس ۳، ۱۶. کتاب مقدس قدیمی از جانب خدا الهام شده و برای تعلیم، سرزنش، اصلاح و تربیت در عدالت مفید است.

خب، اگر کتاب مقدس قدیمی این کار را می‌کند، پس شریعت هم باید همین کار را بکند. و آیا باید پرسیم که آیا شریعت اصول و عقاید را تعلیم می‌دهد؟ و پاسخ مثبت است. شریعت دقیقاً همانطور که در دوم تیموتائوس آمده است، اصول و عقاید را تعلیم می‌دهد.

این همه این چیزها را تعلیم می‌دهد و برای تربیت در پارسایی خوب است تا بنده خدا برای هر کار نیک شایسته و مجهز باشد. بنابراین، وقتی به شریعت نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که اصول و عقاید را آموزش می‌دهد. برای مثال، از کجا می‌آموزیم که خدا حاکم مطلق است؟ ما از شریعت می‌آموزیم.

خروج ۳۴ یک متن بسیار شناخته شده است که در آن خدا خود را به موسی آشکار می‌کند. و ما تمرکز زیادی روی آیات ۶ و ۷ داریم که باز هم خدا در آنجا این آموزه را به ما می‌آموزد که خدا در آیات ۶ و ۷ بخشنده و مهربان است. اما سپس، در آیه ۹ می‌خوانیم: «اگر اکنون در نظر تو مورد لطف قرار گرفته‌ام، ای خداوند لطفاً خداوند را در میان ما بگذار، زیرا این قومی سرسخت است، و گناه و خطای ما را ببخش و میراث خود را به دست آور.» آیاتی که به ما در مورد بخشنده بودن خدا می‌آموزند، خوب، اول از همه، او مقدس و عادل است.

و این چیزی است که ما در لاویان می‌آموزیم. در واقع، موضوع اصلی در لاویان تقدس است. و از کجا می‌آموزیم که خدا مقدس است؟ در شریعت.

چگونه می‌دانیم که خدا از ازل تا ابد جاودانه است؟ خوب، قبل از اینکه یوحنا در اول یوحنا به ما بگوید، ما این را در تثنیه آموختیم. در پیدایش ۱ آموختیم که خدا یک شخص است. در لاویان ۲۶ این واقعیت را آموختیم که او قادر مطلق و حکیم است -- تثنیه ۱۰، خروج ۳۱.

همانطور که گفتیم، خدا حاکم مطلق است. و باز هم، خدا بخشنده و مهربان است. در خروج ۳۴، آیات ۶ و هنگامی که خداوند از برابر او عبور کرد و اعلام داشت، یهوه، یهوه، خدای رحیم و مهربان، دیرخشم و ۷، سرشار از محبت و وفا، که به هزاران نفر محبت می‌کند، و خطا و عصیان و گناه را می‌بخشد، اما هرگز گناهکار را بی‌گناه نمی‌شمارد، بلکه گناهان پدران را بر فرزندان و فرزندان فرزندان تا نسل سوم و چهارم مجازات می‌کند.

اما یکی از مهمترین چیزهایی که از شریعت عهد عتیق در مورد آموزه‌ها می‌آموزیم این است که گناه مردم قابل بخشش است. این کار از طریق سیستم قربانی، که یک قربانی جایگزین بود، انجام می‌شد. ایده این بود که ما سزاوار مرگ هستیم.

مزد گناه مرگ است. این یک تحول در عهد جدید نیست. این از ابتدا وجود داشته است.

اگر مزامیر را بخوانید، این موضوع کاملاً روشن می‌شود. اما در لاویان، وقتی خدا سیستم قربانی را برقرار می‌کند، وقتی سیستم قربانی را برقرار می‌کند، مطمئن می‌شود که جایگزینی برای ما وجود دارد. حیوانی بود که قربانی شد.

بنابراین او با گاو نر، لاویان ۴:۲۰، همانطور که با گاو نر قربانی گناه انجام داد، عمل خواهد کرد و کاهن برای آنها کفاره خواهد کرد و آنها بخشیده خواهند شد. بنابراین، بخشش گناه از طریق قربانی جایگزین امکان‌پذیر است. مشکل این است که موقتی بود و کاهن اعظم مجبور بود هر سال در یوم کیپور در روز کفاره این کار را انجام دهد.

باز هم، نویسنده عبرانیان روشن می‌کند که عهد موسی همیشه قرار بوده ماهیتی موقت داشته باشد تا زمانی که مسیح بیاید و یک بار برای همیشه قربانی شود. بنابراین، پولس در دوم تیموتائوس ۳ درست می‌گوید وقتی می‌گوید عهد عتیق، تمام کتاب مقدس، آموزه‌ها را آموزش می‌دهد. خب، شریعت آموزه‌ها را آموزش می‌دهد.

اما پولس می‌گوید که کتاب مقدس، به عدالت نیز دستور می‌دهد. این به رابطه‌ی آنها با یکدیگر مربوط می‌شود. همسایه‌ات را دوست داشته باش، چیزی نیست که در عهد جدید به آن اشاره شده باشد.

بسیاری از مردم در مورد این موضوع گیج شده‌اند. نه، این در واقع از لاویان ۱۹، از آیه ۱۸ شروع می‌شود. از فرزندان قوم خود انتقام نگیر و کینه به دل نگیر، بلکه همسایه‌ات را مانند خودت دوست داشته باش.

بنابراین، وقتی عیسی این سخنان را می‌گوید، و وقتی روی زمین است، از لاویان نقل قول می‌کند. بله، شریعت، به ما در مورد عدالت دستور می‌دهد و به ما می‌آموزد که چگونه هر روز زندگی خود را بگذرانیم. اما باز هم، توسعه عهد جدید، توسعه عهد جدید نیست.

از کجا یاد می‌گیریم که نباید طمع کنیم؟ خب، شریعت به ما یاد می‌دهد. این یکی از ده فرمان است. طمع نورزید.

پولس رسول در مورد اینکه چگونه طبیعت گناه‌آلود ما همیشه می‌خواهد چیزی را داشته باشد که مال ما نیست، صحبت می‌کند و ما به چیزهایی که همسایه ما هستند طمع داریم. اما باز هم، این یک تحول در عهد جدید نیست. شریعت این را آشکار می‌کند.

از کجا می‌فهمیم که باید به کشیشان خود پول بدهیم؟ در واقع این یک تحول در عهد جدید هم نیست. در واقع، مراقبت از بندگان خدا از شریعت آغاز می‌شود، از شریعت آغاز شده است. وقتی قربانی‌ها، قربانی‌های آردی و قربانی‌های گوشتی را می‌آوردید، کاهنان از آنها سود می‌بردند؛ اگرچه آنها قربانی‌هایی بودند که به خدا داده می‌شدند، کاهنان از خود غذا سود می‌بردند.

می‌دانم که بعضی از کلیساها از این دیدگاه عمل می‌کنند که مثلاً می‌گویند: «خداوند، کشیش را فروتن نگه دار چون ما او را فقیر نگه می‌داریم.» این یک مفهوم کتاب مقدسی نیست. در کتاب مقدس، همیشه از بندگان خدا مراقبت می‌شد، و امیدوارم کلیساهای ما باید این را یاد بگیرند.

اما بعد باید از خودمان بپرسیم، مسیحیت چطور؟ تیریوس، من یک مسیحی هستم. می‌دانی، چطور باید به شریعت نگاه کنم؟ بعضی‌ها فکر می‌کنند، خب، شریعت چیزی است که آنقدر بالاست که من نمی‌توانم به آن برسیم. و در واقع، شنیده‌ام که مردم می‌گویند، خب، بله، خدا شریعت را داده و آنقدر بالا قرار داده که مردم نمی‌توانند به آن برسند، و آنها به مسیح مراجعه می‌کنند.

خب، این یک سوء تفاهم بزرگ است. در واقع، اگر به کتاب مقدس نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که آزادی از شریعت موسی به معنای آزادی از الزامات زندگی درستکارانه نیست. زیرا بسیاری از اوقات برخی افراد می‌گویند، خب، می‌دانید، من تحت فیض هستم، من تحت شریعت نیستم.

و واقعاً، آنها از این برای توجیه رفتار گناه‌آلود خود استفاده می‌کنند. اما همانطور که قبلاً اشاره کردم، در یک سخنرانی دیگر، عیسی اینجا در خطبه بالای کوه، او مانع را پایین نمی‌آورد، و مانع را بالا می‌برد. باز هم، در خطبه بالای کوه، هر زمان که او می‌گوید، شنیده‌اید که گفته شده است، اما به شما می‌گویم، او هرگز مانع را پایین نمی‌آورد؛ او مانع را بالا می‌برد.

شنیده‌اید که گفته شده است، قتل مکن، و هر که قتل کند، سزاوار داوری خواهد بود، اما من به شما می‌گویم هر که از برادر خود خشمگین شود، سزاوار داوری خواهد بود. شنیده‌اید که گفته شده است زنا مکن، اما من به شما می‌گویم هر که با شهوت به زنی بنگرد، همان دم در دل خود با او زنا کرده است. شنیده‌اید که گفته شده است، سوگند دروغ مخور، بلکه به آنچه سوگند یاد کرده‌ای برای خداوند وفا کن، اما من به شما می‌گویم، به هیچ وجه سوگند یاد نکن.

شنیده‌اید که گفته شده، چشم در برابر چشم و دندان در برابر دندان، اما من به شما می‌گویم، مقاومت نکنید. همه اینها، عیسی به روشنی بیان می‌کند که شریعت و ده فرمان، به عنوان مثال، حداقل، حداقل الزام بودند. آنها برای هیچ‌کس نبودند.

نه، آنها کاملاً قابل دستیابی بودند. آنها حداقل، حداقل الزامات بودند. و با توجه به اینکه عیسی تحت یک عهد جدید است، واقعاً، واقعاً، معیارها را بالاتر می‌برد.

او سطح توقعات را پایین نمی‌آورد. بنابراین، شریعت موسی برای مسیحیان الزام‌آور نیست، به این معنا که هیچ‌کس در دروازه‌های بهشت منتظر شما نخواهد ماند و از شما یا به قول بعضی‌ها، از شما نخواهد خواست که خالکوبی داشته باشید. چون می‌دانید، در شریعت، قرار نیست خالکوبی کنید.

و من این را به شاگردانم می‌گویم. حالا، تا جایی که به حکمت این کار و همه آن چیزها مربوط می‌شود، کلی موضوعات دیگر هم وجود دارد. من طرفدار خالکوبی نیستم.

تمام چیزی که می‌گویم این است که خالکوبی مانع ورود هیچ‌کس به پادشاهی آسمان‌ها نمی‌شود. منظورم همین است: شریعت موسی برای مسیحیان الزام‌آور نیست. می‌دانید، خوشبختانه می‌توانیم برای نهار برویم و بیکن بخوریم.

می‌دانید، باز هم می‌توانید حکمت این را زیر سوال ببرید. اما باز هم، هیچ‌کس بر اساس ترجیحات غذایی‌اش به بهشت نمی‌رود. بنابراین، درک این نکته بسیار مهم است که شریعت موسی الزام‌آور نیست.

حالا، دوباره، این به این معنی نیست که به ما نمی‌آموزد خدا کیست. و به ما در مورد قانون اخلاقی خدا، که ضمناً، تغییر نمی‌کند، چیزی نمی‌آموزد. زنا در عهد عتیق گناه بود.

و طبق عهد عتیق، زنا هنوز گناه است. بنابراین، قانون اخلاقی تغییر نکرده است. اما تا جایی که به قانون تشریفاتی و قانون مدنی مربوط می‌شود، در مورد ما اینطور نیست.

بنابراین، مسیحی نباید تحت مقررات شریعت موسی برگردد. آیا این همان کاری نیست که غلاطیان سعی در انجام آن داشتند؟ به برخی از آنها گفته شد که برای مسیحی شدن، ابتدا باید ختنه شوید. بنابراین، برخی از

یهودیان بودند که اگرچه برخی را به سوی مسیح، برخی بت پرستان را به سوی مسیح، برخی غیریهودیان را به سوی مسیح هدایت می کردند، اما می خواستند که آنها ابتدا یهودی شوند و سپس ایمان آورند.

اما پولس رسول می گوید، نه، حرف کسی را که می گوید عیسی به علاوه ختنه برابر با ایمان بودن است، باور نکنید. و اگر به کتاب عبرانیان نگاه کنید، افراد کتاب عبرانیان نیز همین کار را کردند. آنها می خواستند تحت مقررات عهد موسی برگردند.

و نویسندگان عبرانیان به آنها می گوید، نه، این کار را نکنید. عهدی بهتر و برتر وجود دارد. شما تحت عهد جدید هستید.

مسیحی اکنون تحت شریعت مسیح است. حال، شریعت مسیح به این معنی نیست که از نظر اخلاقی با شریعت قدیمی متفاوت است. زیرا، و کمی بعد این را خواهیم دید، هر آنچه که در ده فرمان می بینیم در واقع قبل از داده شدن ده فرمان وجود داشته است، و آنها دوباره در عهد جدید ظاهر می شوند.

پولس در دوم قرن تیان ۳ می نویسد که مشکل از شریعت است، نه از روح شریعت. مشکل از متن شریعت بود به همین دلیل است که او در دوم قرن تیان ۳ سعی می کند بحث کند، وقتی در مورد عهد جدید صحبت می کند. و پولس می گوید، هی، من خادم عهد جدید هستم.

و درک نص قانون و روح قانون بسیار مهم است. می گوید، خداوند روح است، و هر جا روح خداوند باشد، آزادی وجود دارد. و همه ما، با چهره های پی پوشش که جلال خدا را نظاره می کنیم، به تصویر تبدیل می شویم، به همان تصویر، از یک درجه جلال به درجه دیگر.

زیرا این از جانب خداوند می آید که روح است. پیش از این، او درباره متن در مقابل روح شریعت صحبت می کند. و در دوم قرن تیان ۶:۳ می گوید که، می دانید، خدا ما را شایسته گردانیده است تا خادمان عهد جدید باشیم، نه متن، بلکه روح، زیرا متن می کشد، اما روح زنده می کند.

حالا، دوباره، بعضی ها این را اشتباه می فهمند و می گویند، اوه، متن قانون را ببینید، می دانید، آن را کنار بگذارید. خب، شما نمی فهمید. اگر نمی دانستیم متن قانون چه می گوید، نمی توانستیم روح قانون را بفهمیم.

یک نمونه خوب از عدم درک این موضوع، فریسیان بودند که متن قانون را رعایت می کردند اما روح آن را نه و بعد اتفاق که می افتد این است که شما فقط یک فریسی یا گاهی اوقات یک قانون گرا می شوید، زیرا واقعاً اتفاقی که می افتد این است که شما دور قانون حصار می کشید. و بدیهی است که این خوب نیست.

بنابراین، مشکل اینجا شریعت نیست. مشکل، شریعت بی روح است. و این همان چیزی است که پولس سعی در استدلال آن دارد.

بله، اگر روح خدا را نداشته باشید، متن شریعت شما را می کشد. به همین دلیل است که باید بر روح شریعت تأکید شود. برای مثال، حتی وقتی در مورد ده فرمان صحبت می کنیم، می توانید در مورد متن شریعت صحبت کنید.

برای مثال، شما نباید زنا کنید. خب، اگر شما به نص قانون عمل کنید، به این معنی نیست که قانون را زیر پا نمی گذارید، زیرا طبق گفته عیسی، شما باید روح قانون را نیز حفظ کنید، زیرا می توانید با کسی در قلب خود زنا کنید. بنابراین، فقط عمل به نص قانون نیست.

شما همچنین باید روح قانون را حفظ کنید. به عبارت دیگر، روح قانون در واقع عمیق‌تر است. شما باید با یک فرد با عزت و به عنوان یک خالق در تصویر خدا رفتار کنید.

همین موضوع در مورد «قتل نکن» هم صدق می‌کند. بله، من می‌توانم با نکشتن کسی، با فرو نکردن چاقو در پشت کسی، به نص قانون عمل کنم، اما می‌توانم با دروغ گفتن در مورد کسی یا با گفتن اطلاعات نادرست در مورد او، آبروی او را از بین ببرم. اساساً، در این صورت، شخص نص قانون را رعایت می‌کند اما روح قانون را رعایت نمی‌کند.

و به همین دلیل است که روح قانون در واقع عمیق‌تر است. به همین دلیل است که باید بر روح قانون بیش از متن قانون تأکید شود. بنابراین، کلمه عبری برای قانون، تورات است.

بزرگ ترجمه می‌شود که در مورد شریعت L کوچک ترجمه می‌شود. گاهی اوقات؛ با یک L گاهی اوقات، با یک خدا صحبت می‌کند. گاهی اوقات فقط دستورات عمل است. فقط آموزش است.

بنابراین، تعریف آن برای ما مهم است. بنابراین، تورات نیازی به یک معیار الهی برای رفتار قوم خدا ندارد. تورات همیشه بسیار بسیار کاربردی است.

و گاهی اوقات، مربوط به قربانی‌ها و هدایا است. در لاویان، دوباره، ما یک سیستم کامل از هدایا را داریم که مردم هنگام حضور در پیشگاه خداوند تقدیم می‌کنند. گاهی اوقات در مورد سبت‌ها و اعیاد صحبت می‌شود.

و باز هم، چون عیسی یک بار برای همیشه مرد، برای مسیحیان، ما مجبور نیستیم این اعیاد را مانند یهودیان در روزگاران قدیم برگزار کنیم. اگر بخواهیم می‌توانیم آنها را برگزار کنیم. و اشکالی ندارد که به تقویم خود نگاه کنیم و در مورد برخی از این موارد فکر کنیم.

اما ما مجبور نیستیم. باز هم، ما دیگر تحت فرمان عهد عتیق نیستیم. اما برای مثال، در عید فصح، زمانی که ما مرگ و رستاخیز عیسی را جشن می‌گیریم، اگر در مورد عید فصح در عهد عتیق در خروج ۱۲ به آنها آموزش ندهیم، خیانت بزرگی به مردم ما خواهد بود، زیرا منشأ آن از آنجاست.

و مردم باید بفهمند که وقتی پولس می‌گوید، خب، ای مسیح، بره عید فصح ما برای ما قربانی شده است، منظور از عید فصح چیست. بنابراین، این بسیار مهم است. استفاده از عهد عتیق برای آموزش عهد جدید بسیار مهم است.

ما سبت و اعیاد و مقررات مربوط به پاکی و ناپاک بودن داریم. و باز هم، آنچه طبق شریعت پاک و ناپاک بود، تا جایی که به شریعت مربوط می‌شود، برای ما یکسان نیست. من در کلیسای بسیار قانون‌گرا بزرگ شدم.

و جالب بود چون کلیسای ما بعضی از مقررات شریعت را همچنان حفظ کرده بود. و من با خودم گفتم، چرا؟ چون ما همه آنها را رعایت نمی‌کردیم. فقط بعضی از آنها را حفظ می‌کردیم، که خیلی عجیب بود.

خب، البته، یکی از آنها این بود که، می‌دانید، شما یکشنبه‌ها کارهای خاصی انجام نمی‌دهید. می‌دانید، شما فوتبال بازی نمی‌کنید، شما گلف بازی نمی‌کنید. و بنابراین من بسیاری از دوره‌های گلف را از دست دادم چون از آن پیروی کردم.

اما قسمت غم‌انگیز ماجرا این است که من ۳۲ ساله بودم که فهمیدم چقدر قانون‌گرا هستم و چطور بزرگ شده‌ام. قانون دیگری که کلیسای ما رعایت می‌کرد، که حالا که به آن فکر می‌کنم عجیب بود، این بود که وقتی

کسی، یک خانم، بچه‌ای به دنیا می‌آورد، باید چهار تا شش هفته در خانه می‌ماند، چون قانون این را گفته بود. خب، چرا؟ ما دیگر تحت آن قانون نیستیم.

و این خیلی عجیبه که ما فقط قوانین خاصی رو گلچین کردیم که هنوز هم حفظشون می‌کنیم. من هنوز، تا به امروز، اینو نمی‌فهمم. اما حالا که بهش فکر می‌کنم، خیلی مهمه.

خب، من می‌دانم چه اشتباهی کردیم. اما باز هم، ما تابع قانون نیستیم. ما تابع قانون تشریفاتی نیستیم.

باز هم، عید فصح و تقدیس نخست‌زاده. من قبلاً به خروج ۱۲ اشاره کردم. باز هم، ما مجبور نیستیم فرزندانمان را مانند آن زمان به خداوند بسپاریم.

می‌دانید، نخست‌زاده، کسی که رحم را گشود، برای خداوند مقدس بود. خب، نه، اما ما همه فرزندانمان را به خداوند می‌دهیم. ما نوزادان را وقف می‌کنیم و آنها را به خداوند تقدیم می‌کنیم.

اما باز هم، ما این کار را به عنوان بخشی از قانون انجام نمی‌دهیم. و لازم نیست برای بازخرید آنها پنج شیکل بپردازیم. وقتی کتاب مقدس در مورد تورات نیز صحبت می‌کند، گاهی اوقات به کل کتاب تثنیه اشاره دارد.

و دوباره، وقتی به تثنیه نگاه می‌کنیم، تثنیه بخش بسیار مهمی در مجموعه عهد عتیق را تشکیل می‌دهد، زیرا پیامبران، به ویژه، وقتی در مورد شریعت و مقررات صحبت می‌کردند، بارها به کتاب تثنیه اشاره می‌کردند. بنابراین، تورات به عنوان مرجعی گسترده برای کتاب تثنیه عمل می‌کند. باز هم، از آن به عنوان شریعت، کتاب شریعت، کتاب شریعت موسی یاد می‌کند.

وقتی عیسی در این مورد صحبت می‌کند، از کتاب شریعت موسی، شریعت موسی و کتاب شریعت خدا نام می‌برد. شما این را در یوشع دارید. کتاب دوم پادشاهان در مورد شریعت خداوند صحبت می‌کند.

بنابراین، در کتب تاریخی و در کتب انبیا، بارها این عنوان به کتاب تثنیه اشاره دارد. گاهی اوقات، تورات به کل اسفار پنجگانه، به پنج کتاب اول موسی اشاره دارد، همانطور که عزرا در عزرا به آن اشاره می‌کند. باز هم، یکی از آیات مورد علاقه من در کتاب مقدس در مورد عزرا است، زیرا عزرا قلب خود را برای مطالعه شریعت خداوند گذاشته است.

خب، او فقط کتاب تثنیه را مطالعه نکرد. او کل اسفار پنجگانه را مطالعه کرد و برای انجام آن و آموزش فرایض و احکام خود به اسرائیل. و سپس گاهی اوقات ترجمه می‌شود، تورات ترجمه می‌شود، فقط دستورالعملی برای تعیین اراده خدا در مورد رفتار انسان به طور کلی. دوباره، ما این را در پیدایش ۲۶ داریم، و در خروج ۱۲ داریم.

اما وقتی قوانین را در نظر می‌گیریم و آنها را از هم جدا می‌کنیم، در واقع دو نوع قانون وجود دارد. محققان آنها را به دو دسته تقسیم می‌کنند. کازوئیستی، چیزی است که ما آن را رویه‌ی قضایی می‌نامیم.

آنها حتی امروز هم استفاده می‌شوند. پس قوانین قطعی، در درجه اول ده فرمان، قطعی هستند. قوانین قطعی، آنها را که ما بهتر می‌شناسیم، زیرا دوباره به ده فرمان اشاره دارند، معمولاً به صورت دوم شخص، با یک دستور شروع می‌شوند: یا باید یا نباید.

اینها اصول هستند. مثلاً شما نباید به پدرتان احترام بگذارید، به پدرتان احترام بگذارید یا قتل نکنید، دزدی نکنید و غیره. بنابراین، دستورات کلی به شما صلاحیت نمی‌دهند و نمی‌گویند که به خاطر این نباید این کار را انجام دهید.

آنها فقط دستورات هستند. سپس، عواقب عدم رعایت آنها معمولاً بیان نمی‌شود. مثلاً نمی‌گوید اگر شما یک مجسمه بسازید و آن را پرستش کنید، چه اتفاقی خواهد افتاد.

حقوق کاروانیستی معمولاً با اگر، آنگاه شروع می‌شود. بیشتر بخش‌های حقوقی کاروانیستی هستند. آنها مطالعات موردی هستند، معمولاً به صورت سوم شخص.

هی، آگه گاو نرت، می‌دونی، به کسی شاخ بزنه، می‌دونی، دوباره، این یه موقعیت فرضی هست، اما خیلی هم خاصه. آگه گاو نر قبلاً به کسی شاخ زده باشه، خب، پس باید گاو نر رو بکشی. اما دوباره، این بر اساس موارد دیگه‌ست.

و معمولاً، شما در مورد قانون تفسیر دارید، اینکه چرا باید این کار را انجام دهید یا چرا نباید آن را انجام دهید. گاهی اوقات، عواقب عدم رعایت نیز در آنجا ذکر شده است. مثالی که در تثنیه ۱۵ آیات ۷ و ۸ داریم. باز هم، وقتی در مورد روت صحبت کردیم، به این موضوع اشاره کردیم.

اگر در میان شما یکی از برادرانتان در یکی از شهرهای سرزمینتان که خداوند، خدایتان، به شما می‌دهد، فقیر شود، دل خود را سخت نکنید و دست خود را بر برادر فقیر خود نبندید، بلکه دست خود را به روی او باز کنید و به اندازه نیازش، هر چه که باشد، به او قرض دهید. مراقب باشید که هیچ فکر ناشایستی در دل شما نباشد. و شما می‌گویید سال هفتم، سال هفتم نزدیک است، و چشمتان با اکراه به برادر فقیرتان می‌نگرد و چیزی به او نمی‌دهید.

آنگاه او نزد خداوند علیه تو فریاد برآورد و تو گناهکار هستی. تو باید آزادانه به او ببخشی و دلت نباید هنگام بخشیدن به او کینه بورزد. به همین دلیل، خداوند، خدای تو، تو را در تمام کارهایت و در هر کاری که انجام می‌دهی برکت خواهد داد، زیرا در این سرزمین همیشه فقیر خواهد بود.

بنابراین می‌بینید که چقدر توضیحات بیشتری در مورد این یک قانون وجود دارد. باز هم، بسیار بسیار مهم است. بنابراین، چگونه باید عهد عتیق و شریعت موسی را درک کنیم؟ اول از همه، باید درک کنیم که موسی اطاعت از قوانین عهد موسی را نه به عنوان پیش‌شرط رستگاری، بلکه به عنوان پاسخی سپاسگزارانه به کسانی که قبلاً نجات یافته بودند، می‌دانست.

چون گاهی اوقات ما اینطور فکر می‌کنیم، اوه، مردم در عهد عتیق، آنها باید این کارها را انجام می‌دادند تا نجات یابند. نه، هیچ کس در عهد عتیق با انجام این کارها جدا از ایمان نجات نیافت. زیرا شما به فیض و از طریق ایمان نجات یافته‌اید.

دو راه نجات وجود ندارد. بنابراین، درک این نکته بسیار مهم است که اینها قوم خدا بودند که توسط خدا انتخاب شده بودند و به همین دلیل از آنها خواسته شده بود که این احکام را رعایت کنند. آنها احکام را رعایت نمی‌کردند تا قوم خدا شوند.

و خروج ۱۹، ما قبلاً در سخنرانی دیگری اشاره کردیم که چگونه خدا قوم خود را به عنوان سگولا، به عنوان دارایی ارزشمند خود، تعیین می‌کند. و به همین دلیل است که خدا با آنها عهد می‌بندد. او عهد نمی‌بندد و قوانین را به آنها نمی‌دهد تا بتوانند سگولا، دارایی ارزشمند او، شوند.

بنابراین، اگر واقعاً از صدای من اطاعت کنید و عهد مرا نگه دارید، شما در میان همه مردم، گنجینه من خواهید بود، زیرا تمام زمین از آن من است و شما پادشاهی کاهنان و ملتی مقدس خواهید بود. اینها سخنانی هستند که باید به قوم اسرائیل بگویید. و سپس مقدمه ده فرمان: من خداوند خدای شما هستم که شما را از سرزمین مصر، از خانه بردگی بیرون آوردم.

بنابراین، نمی‌گویند که شما قوم من خواهید شد. من خدای شما خواهم شد. نه، می‌گویند که من خداوند خدای شما هستم.

بنابراین، درک این نکته بسیار مهم است. اطاعت از قانون به عنوان یک وظیفه توسط یک طرف یا طرف دیگر تلقی نمی‌شود، بلکه به عنوان بیانی از رابطه مبتنی بر عهد بود. قوم اسرائیل در یک رابطه مبتنی بر عهد با خدای خالق، با خدایی که عهد می‌بندد و به عهد خود وفا می‌کند، قرار داشتند.

و به عنوان بخشی از آن رابطه‌ی عهدی، آنها باید این قوانین را رعایت می‌کردند. نمی‌توان قانون عهد عتیق را جدا از یک رابطه‌ی عهدی صمیمانه بین یهوه و قوم برگزیده‌اش درک کرد. بنابراین، بسیاری از مردم قوانین را نمی‌خوانند، اوه، این کار را نکن، این کار را نکن.

خب، به جای اینکه آن را به عنوان فهرستی از بایدها و نبایدها بخوانیم، اگر آن را به عنوان نامه‌ای عاشقانه از جانب خدا به خودمان بخوانیم، چقدر زندگی‌مان تغییر خواهد کرد؟ باز هم، ما در یک رابطه‌ی صمیمانه با او هستیم. آن را به عنوان یک نامه‌ی عاشقانه بخوانید. به جای فهرستی از بایدها و نبایدها. اوضاع به طرز چشمگیری تغییر خواهد کرد، اینطور نیست؟ اطاعت از شریعت، باز هم، پیش شرط رستگاری نبود، بلکه پیش شرط انجام مأموریتی بود که اسرائیل به آن فراخوانده شده است.

اطاعت از شریعت همچنین پیش شرط برکات خودش بود. بله، اطاعت از شریعت برکت می‌آورد. و نافرمانی از شریعت لعنت می‌آورد.

باز هم، در لاویان و تثنیه ۲۸، که احتمالاً شناخته‌شده‌ترین متن در این مورد است، عبارات واضحی وجود دارد. در تثنیه ۸، برکاتی برای اطاعت و لعنت‌هایی برای نافرمانی وجود دارد. یک فصل کامل به همین موارد اختصاص داده شده است.

اما بله، به قوم عهد عتیق به خاطر اطاعت و نگه داشتن قانون عهد عتیق برکاتی داده شد. حال، گاهی اوقات ما هم وسوسه می‌شویم که این کار را انجام دهیم و بگوییم، بسیار خوب، خداوند، من این کار را انجام می‌دهم. و بعد از تو انتظار دارم که این کار را انجام دهی. خب، دوباره، ما دیگر تحت عهد موسی نیستیم.

ما تحت عهد جدید هستیم. و در واقع، ما فیض و رحمت زیادی دریافت می‌کنیم. و برخی می‌گویند، خب، خدا خدای فرصت‌های دوباره است.

خب، من در مورد شما نمی‌دانم، اما من فکر می‌کنم او خدای فرصت‌های دوباره است. و او همچنین همیشه به ما فرصت پشت فرصت و لطف پشت لطف می‌دهد. راه دیگر برای درک صحیح عهد عتیق، شریعت موسی، این است که وحی خدا از شریعت باید به عنوان یک امتیاز عالی و منحصر به فرد تلقی شود.

باید آن را به عنوان یک تضاد آشکار با ملت‌هایی که خدایان چوب و سنگ را می‌پرستیدند و متعاقباً نمی‌توانستند بشنوند، ببینند یا صحبت کنند، در نظر گرفت. باز هم، خدا، در سراسر عهد عتیق، به آنها می‌آموزد که او خدای حقیقی است. و خدایان دیگر ملت‌ها عادل هستند و هیچ نیستند.

مزمور ۱۱۵، مزمور کلیدی است که به این موضوع می‌پردازد. بت‌های آنها از نقره و طلا ساخته دست بشر است. دهان دارند اما سخن نمی‌گویند، چشم دارند اما نمی‌بینند.

گوش دارند اما نمی‌شنوند، بینی دارند اما نمی‌بویند، دست دارند اما پا ندارند اما راه نمی‌روند و صدایی از گلویشان خارج نمی‌شود. کسانی که آنها را می‌سازند مانند خودشان می‌شوند، و همه کسانی که به آنها اعتماد دارند نیز مانند آنها می‌شوند.

ای اسرائیل، به خداوند توکل کن. چرا؟ زیرا او تنها خدای حقیقی است. بنابراین اطاعت حقیقی از شریعت باید به عنوان بیان بیرونی گرایش درونی ایمان به خدا و عشق پیمانی نسبت به او تلقی می‌شد.

باز هم، این به معنای رعایت شریعت نبود تا خدا را دوست داشته باشیم. نه، ما خدا را دوست داریم و به همین دلیل، احکام او را نگه می‌داریم. فکر می‌کنم عیسی هم چیزی بسیار شبیه به این گفته است.

چون بعضی‌ها می‌گویند، خوب، می‌دانید، اگر عاشق خدا باشید، هیچ قانونی وجود ندارد، می‌دانید، من آزادی دارم. نه، عیسی گفت، اگر مرا دوست داشته باشید، از احکام من پیروی خواهید کرد. به یک رابطه زناشویی فکر کنید.

شما نمی‌توانید به همسرتان بگویید، باشه، ما همدیگر را دوست داریم؛ هیچ قانونی وجود ندارد. بله، قوانینی وجود دارد، و اگر می‌خواهید زندگی زناشویی شادی داشته باشید، بهتر است آنها را در اوایل ازدواج خود بیاموزید. بنابراین، قوانین باید به صورت جامع بررسی شوند.

تمام حیات تحت اقتدار حاکم الهی است. حال، کریس رایت، محقق عهد عتیق، قانون را به پنج دسته تقسیم می‌کند: قانون جزاء، قانون مدنی، قانون خانواده، قانون فرقه‌ای و قانون دلسوزانه.

می‌دانم بعضی‌ها از این تقسیم‌بندی خوششان نمی‌آید، اما فکر می‌کنم وقتی قانون را تقسیم می‌کنید تا بتوانیم چیزهای مختلفی را درک کنیم، خیلی مفید است. خوشبختانه، ما دیگر تحت قانون مدنی نیستیم. برای مثال در قانون عهد عتیق، قوانین واقعاً سختی وجود داشت. می‌توانستید پسر نافرمان خود را به دروازه شهر ببرید و سنگسارش کنید.

خب، می‌دونی چیه، اگه اون قانون تصویب شده بود، دیگه هیچ کس زنده نمی‌موند. حالا، خوشحالم، به نظر نمی‌رسه که تا حالا اجراش کردن. و فقط خوشحالم که ما تحت قانون، اون قانون، نیستیم، و خوشحالم که امروز اون قانون رو اجرا نمی‌کنیم، چون، باز هم، هیچ کدوم از ما امروز اینجا نبودیم.

اما باز هم، چیزی که عیسی درباره‌اش صحبت می‌کند قانون دلسوزانه است، مثلاً فقرایی که همیشه با شما خواهند بود. خوب، عیسی دوباره وقتی در مورد آن صحبت می‌کند از کتاب لاویان نقل قول می‌کند و این تغییر نکرده است. باز هم، قانون اخلاقی تغییر نکرده است.

قانون آیینی تغییر کرده است. ما مجبور نیستیم یکشنبه به کلیسا برویم و بره کوچک خود را برای قربانی شدن. به خاطر گناهمان بیاوریم. چرا؟ چون مسیح یک بار برای همیشه قربانی شد.

بنابراین، دوباره، یکی از بزرگترین تصورات غلط این است که قانون غیرقابل درک و غیرقابل دستیابی بود. اما وقتی با دقت نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که قوانین هم قابل درک و هم قابل دستیابی بودند. و اگر الزامات را برآورده

نمی‌کردید، اگر به اصطلاح، هدف را از دست می‌دادید، اگر از اطاعت از قانون قصور می‌کردید، مقرراتی برای بخشش وجود داشت.

و حتی آن گناهایی که عمدی بودند، بعضی‌ها می‌گویند، خب، در کتاب مقدس، فقط برای گناهایی که سهوی بوده‌اند، قربانی وجود دارد. نه، در واقع، گناهان عمدی و غیرعمدی؛ هر دو در شریعت پیش‌بینی شده‌اند. بنابراین، خدا وسیله‌ای برای بخشش فراهم کرد زیرا او محدودیت‌های ما را به عنوان انسان می‌دانست.

بنابراین، از مؤمنان عهد جدید ما خواسته می‌شود که طبق برخی یا تمام شریعت موسی زندگی کنند. این بزرگترین سؤالی است که گاهی اوقات در کلاس عهد عتیق از ما پرسیده می‌شود. و البته، برخی از دانش‌آموزان می‌خواهند درباره قوانین مختلفی که در آن زمان وجود داشته است، بدانند.

برای مثال، قوانین خالکوبی امروزه بسیار مشهور و محبوب است. باز هم باید بررسی کنید که چرا مردم ملت‌ها آن خالکوبی‌ها را انجام می‌دادند و خودشان را برای سوگواری مرگ کسی یا پرستش خدای دیگری حکاکی می‌کردند. بنابراین، انگیزه قلبی مهم است.

اما چیزی که مردم باید به خاطر داشته باشند این است که تتوها دائمی هستند. و گاهی اوقات، می‌دانید، من می‌خواهم موهایم را به یک مدل کوتاه کنم. خب، ماه بعد می‌توانم آن را عوض کنم.

خب، شما نمی‌توانید این کار را با خالکوبی‌ها انجام دهید. بنابراین، یک ماندگاری در آن وجود دارد که ممکن است افراد بخواهند قبل از خالکوبی کردن خودشان آن را در نظر بگیرند. بنابراین دوباره، من این را به وضوح می‌گویم: نجات شما به این بستگی ندارد.

بنابراین، از کدام بخش از شریعت موسی هنوز باید اطاعت کنیم؟ آیا عهد موسی یک استاندارد عملیاتی است که باید زندگی یک مؤمن عهد جدید را اداره کند؟ خب، دوباره، به پیوستگی و گسستگی می‌رسیم. چه چیزی در عهد جدید ادامه دارد و چه چیزی نه؟ زیرا دوباره، همانطور که در مورد عهد جدید گفتیم، برخی از قوانین کاملاً جدید هستند، برخی تجدید می‌شوند و برخی در عهد جدید دیگر وجود ندارند. به عنوان مثال، در مورد شریعت تشریفاتی گفتیم که لازم نیست قربانی بدهیم زیرا قربانی یک بار برای همیشه انجام شده است.

اما قانون اخلاقی هنوز پابرجاست. باز هم، زنا محصنه در عهد عتیق در عهد جدید تغییر نکرده است، و این آن را بی‌عیب و نقص می‌کند. این هنوز زنا است، حتی اگر ما سعی کنیم آن را تطهیر کنیم و آن را یک رابطه نامشروع بنامیم یا سعی کنیم آن را چیز دیگری بنامیم.

رابطه جنسی قبل از ازدواج، امروزه نسخه‌ی بهداشتی‌شده‌ی آن است؛ به آن زنا می‌گویند و هنوز هم گناه است. گناه، رابطه‌ی جنسی قبل از ازدواج، خارج از ازدواج، گناه است. همجنس‌گرایی، در عهد عتیق گناه بود. در عهد جدید، گناه است.

رومیان در این مورد واضح هستند، اول قرن‌تین ۶ در این مورد واضح است، و کتاب یهودا در این مورد واضح است. بنابراین، قانون اخلاقی تغییر نکرده است. باز هم، اگر چیزی تغییر کند، به یاد داشته باشید که عیسی معیارها را بالا می‌برد؛ او معیارها را پایین نمی‌آورد.

اما برخی از محققان می‌خواهند از منظر دیگری به این موارد بپردازند و چند راه حل برای رابطه شریعت عهد عتیق با مؤمن وجود دارد. من در اینجا به پنج گزینه، پنج رویکرد متفاوت، اشاره خواهم کرد. اولین مورد، رویکرد اصلاح‌شده تئونومیک است. این از نقد دیوید گوردون بر تئونومی است.

نقل قول، تئانومی آرزو دارد که هر ملتی اعمال مدنی خود را با آنچه در شریعت موسی نازل شده است، تأیید کند. تئانومی نمی‌خواهد صرفاً به اخلاق کتاب مقدس یا اخلاق یهودی-مسیحی بازگردد، بلکه به اخلاق عهد سینا بازمی‌گردد. بنابراین، اساساً تحت این رویکرد، اگر فقط قانون عهد عتیق را بردارید و آن را در قانون اساسی هر ملتی قرار دهید، مشکلی نخواهید داشت.

این همان چیزی است که، دوباره، تئوس، نوموس، قانون خدا. قوانین عهد عتیق تحت این رویکرد همچنان از نظر اخلاقی الزام‌آور هستند، مگر اینکه توسط وحی آینده لغو یا اصلاح شوند. باز هم، آنها نمی‌گویند که شما باید دیگر قربانی بیاورید، زیرا بدیهی است که این موارد تحت عهد جدید لغو می‌شوند.

قوانین عهد عتیق معیاری الهی برای قضاوت در مورد تمام قوانین اجتماعی موجود ارائه می‌دهند. بهترین راه برای اصلاح انواع شرارت‌های اجتماعی، تکیه بر بازپروری، آموزش مجدد و اصلاحات تدریجی قانونی است. خب، این خیلی خوب به نظر می‌رسد.

آیا عملی است؟ آیا می‌توانیم آن را انجام دهیم؟ آیا می‌توانید قانون را بر افراد سکولار تحمیل کنید؟ حال، اگر به قانون روم و حتی سیستم قوانین در ایالات متحده فکر کنید، که برخی از آنها مبتنی بر قوانین کتاب مقدس هستند، شکی نیست. اما از بسیاری جهات، ما از کتاب مقدس و از اخلاق و اصول قانون دور شده‌ایم، همچنین، مشکل این است، یا به گفته برخی، ما در تلاشیم تا کتاب مقدس را بر افرادی که از نو زاده نشده‌اند، تحمیل کنیم.

شما نمی‌توانید این کار را انجام دهید. باز هم، اساساً به فریسی‌گری برمی‌گردید. می‌توانید نص قانون را داشته باشید، اما اگر روح قانون در آن نباشد، اگر قلب تغییر نکرده باشد، پس چه فایده‌ای دارد؟ رویکرد دوم رویکرد اصلاح‌شده است.

این رویکرد با این ایده آغاز می‌شود که دو عهد وجود دارد: عهد کار، عهد اعمال و عهد فیض. دو نظام اداری وجود دارد: شریعت و فیض. شریعت شامل انجیل است و انجیل شامل شریعت.

بنابراین، قانون اخلاقی در ده فرمان خلاصه شده و توسط قوانین آیینی و قضایی تکمیل شده است. قوانین آیینی، چهار فرمان اول را در چارچوب وجود اسرائیل به عنوان یک ملت اعمال می‌کنند. و در آن چارچوب این درست است.

این قانون اساساً قانون اساسی اسرائیل بود. آنها تا آن زمان نمی‌دانستند چگونه به عنوان یک ملت وجود داشته باشند. این قوانین با آمدن مسیح، که به صلیب می‌خکوب شده بودند، لغو شدند.

با قوانین قضایی چه کنیم؟ قوانین قضایی شش فرمان آخر را در چارچوب وجود اسرائیل به عنوان یک ملت اعمال می‌کردند و آنها نیز لغو شده‌اند. قانون اخلاقی، به نقل از ویلم ون گمرن در اینجا، به جای اینکه به عنوان پایان شریعت باشد، در شخص و آموزه‌های عیسی مسیح روشن‌تر شد. بنابراین، به یک معنا، رویکرد اصلاح‌شده و رویکرد اقتصادی اول نسبتاً مشابه هستند، اما در اینجا آشکارا ظریف‌تر هستند.

رویکرد اصلاح‌شده لوتری که توسط داگ مو، استاد سابق ترینیتی و استاد فعلی ویتون، ارائه شده است می‌گوید که شریعت موسی در مسیح منسوخ شده و دیگر، نقل قول، مستقیماً برای مؤمنانی که در عصر جدید زندگی می‌کنند، قابل اجرا نیست. محتوای اخلاقی شریعت موسی زمانی برای مؤمنان عهد جدید قابل اجرا است که به وضوح در آموزه‌های عهد جدید تکرار شده باشد. به عنوان مثال، برخی می‌گویند که قانون ده یک از عهد عتیق و ملاکی هرگز در عهد جدید تکرار نشده است.

تمام چیزی که در عهد جدید به ما گفته شده این است که باید فداکارانه و با شادی ببخشیم. اما گاهی اوقات از این به عنوان بهانه‌ای استفاده می‌کنیم تا همیشه فکر کنیم، هی، کمتر از ۱۰٪، حتی اگر هرگز آن را نداشته‌اید یا به نظر نمی‌رسد که به وضوح در عهد جدید لغو شده باشد. مؤمنان عهد جدید باید شریعت موسی را به عنوان شاهی بر تحقق نقشه خدا در مسیح بخوانند.

رویکرد چهارم، رویکرد تدبیری است، که در آن، باز هم در رویکرد اصلاح‌شده، بر پیوستگی تأکید می‌شود. در رویکرد تدبیری، بر گسستگی تأکید می‌شود. شریعت، شریعت موسی، هدفی چهارگانه داشت: نشان دادن لطف خدا، تمهیدی برای تقرب به خدا، تمهیدی برای عبادت و اداره حکومت دینی.

باز هم، اسرائیل یک حکومت دینی بود. آنها دموکراسی نبودند. آنها سلطنت نبودند.

آنها در ابتدا یک حکومت دینی بودند. شریعت موسی برای آشکار کردن گناه و همچنین به عنوان یک راهنما برای هدایت مردم به سوی مسیح داده شد. عیسی کتب عهد عتیق را منسوخ نمی‌کند، بلکه آنها را به تحقق می‌رساند، همانطور که عیسی در خطبه بالای کوه می‌گوید.

مسیح هدف و اراده شریعت موسی است. ارمیا ۳۱، به یاد داشته باشید، وقتی خدا عهد جدید را می‌دهد، نه مانند عهدی که من با آنها بستم وقتی که دستشان را گرفتم. بنابراین این چیزی است که دیسپنسشنالیست‌ها بر آن تأکید دارند: ناپیوستگی، در حالی که متکلمان اصلاح‌شده بر پیوستگی بین این دو تأکید دارند.

آخرین رویکرد، رویکرد تعدیل‌کننده والتر کایزر است. والتر کایزر، محقق بزرگ عهد عتیق، سعی می‌کند بین این دو موضع میانجیگری کند و بین رویکرد اصلاح‌شده و رویکرد تدبیرگر میانجیگری کند. بنابراین، او از آینده‌ای برای اسرائیل قومی حمایت می‌کند، اما نقاط پیوستگی مختلفی را بین عهد عتیق و عهد جدید، بین اسرائیل و کلیسا می‌بیند.

قطعاً، کلیسا جایگزین اسرائیل نمی‌شود. مسیح هدف یا نتیجه‌ی هدفمند شریعت موسی است. شریعت مؤمن را به مسیح منصوب می‌کند و او تقسیم سه‌گانه شریعت موسی را می‌پذیرد.

به یاد داشته باشید، کریس رایت آن را به پنج بخش تقسیم کرد. کایزر این تقسیم‌بندی سه‌گانه را می‌پذیرد. قانون اخلاقی، قانون مدنی، قانون تشریفاتی. ما نیازی به اطاعت از قانون مدنی یا تشریفاتی نداریم، اما همچنان تحت قانون اخلاقی هستیم.

این تغییر نکرده است. عیسی درباره مسائل مهم‌تر شریعت صحبت می‌کند و کایزر می‌گوید که مسائل مهم‌تر شریعت به جنبه‌های اخلاقی شریعت موسی اشاره دارد که خداوند آن را بالاتر از جنبه‌های مدنی و تشریفاتی شریعت قرار داده است. باز هم، این تفسیر اوست.

بدیهی است که عیسی وقتی درباره مسائل مهم‌تر شریعت صحبت می‌کند، منظور خود را روشن نمی‌کند. وقتی عهد جدید وعده می‌دهد که شریعت خدا را در قلب کسانی که در آن عهد شرکت می‌کنند، قرار دهد، این شریعت موسی است که به طور خاص در قلب قرار می‌گیرد. این شریعتی متفاوت نیست.

هیچ جا نگفته که این قانون متفاوتی است. قیصر، وقتی صحبت از چگونگی تفسیر آن برای زمانه‌ی امروزمان می‌شود، نردبانی بسیار جالب از انتزاع است. برای مثال، دوباره به این مورد اشاره کردیم: چرا باید به وزیران خود پول بدهیم؟ آیا این یک مفهوم کتاب مقدسی است؟ و پاسخ مثبت است.

بنابراین، او در نهایت به یک اصل کلی می‌رسد، اما این اصل از عهد عتیق شروع می‌شود. در تثنیه آمده است، که وقتی گاو نر راه می‌رود، دهانش را نبندید. حالا این در عهد جدید در نوشته‌های پولس هم استفاده می‌شود. وقتی که او در مورد اینکه به وزیر باید حقوق داده شود صحبت می‌کند، و او می‌گوید، من هرگز پول نگرفته‌ام.

اما باز هم، اصل، وقتی به آنها نگاه می‌کنید، به جزئیات نگاه می‌کنید، که در نهایت اصل را نشان می‌دهد بخشش باعث ایجاد نرمی و لطف در انسان‌ها می‌شود. و وضعیت باستانی این بود که به کسانی که برای شما کار می‌کنند غذا بدهید. وضعیت فعلی این است که به کسانی که کلام خدا را به شما می‌رسانند، پول بدهید.

خیلی وقت‌ها وقتی حقوق زیادی به شما نمی‌دهند، همیشه به شما می‌گویند، خب، این یک خدمت است یک خدمت است، انگار خدمت همیشه باید داوطلبانه باشد. بعضی‌ها تقسیم‌بندی قانونی که کایزر قبول دارد را رد می‌کنند.

و من هم می‌گویم که قبول می‌کنم. فکر می‌کنم در سه جنبه، حکمتی در دیدن قانون وجود دارد، زیرا به وضوح نشان می‌دهد که بله، بدیهی است که ما مجبور نیستیم به قوانین مدنی گوش دهیم، یا دیگر تحت قوانین مدنی یا قوانین تشریفاتی نیستیم زیرا مسیح یک بار برای همیشه مرد. اما باز هم، من در هیچ کجای عهد جدید نمی‌بینم که قانون اخلاقی تغییر کند زیرا خدا تغییر نمی‌کند.

قانون اخلاقی او تغییر نمی‌کند. بنابراین، اگرچه برخی افراد دوست ندارند آن را تقسیم‌بندی کرده و به صورت کلی ببینند، ما همچنان می‌توانیم آن را به صورت کلی ببینیم، حتی اگر آن را تقسیم‌بندی کنیم، تا زمانی که منظورمان را از آن بفهمیم. قانون عهد عتیق به عنوان یک سند کلی و غیرقابل مذاکره ارائه شده است.

اما نمودار مورد علاقه من این است. این نمودار از کتاب «به سوی اخلاق عهد عتیق» نوشته والتر کایزر است، جایی که او نشان می‌دهد ده فرمان برای بنی اسرائیل خبر مهمی نبود. وقتی خدا گفت، خدایان دیگری قبل از من نداشته باشید، برای خودتان یک مجسمه تراشیده نسازید. این خبر مهمی نبود.

آنها نگفتند، اوه، وای، ما نمی‌دانستیم که می‌توانیم این کار را انجام دهیم. وقتی خدا به آنها گفت، قتل نکنید، زنا نکنید، دزدی نکنید، طمع نکنید، به پدر و مادرتان احترام بگذارید، بنی اسرائیل اینطور نبودند، اوه، اینها چیزهای جدیدی هستند. نه، اگر به کتاب مقدس نگاه کنید، شواهدی از همه اینها قبل از موسی وجود دارد.

همه این موارد قبلاً در کتاب پیدایش ذکر شده است. بله، اینکه نمی‌توانید طمع بورزید، تحول جدیدی در شریعت نیست. و آنها دوباره در عهد جدید ظاهر می‌شوند.

به نظر من تنها قانونی که برخی افراد می‌گویند در عهد جدید وجود ندارد، قانون چهارم، یعنی سبت، است. هنوز در مورد آن اختلاف نظر وجود دارد. بنابراین، چگونه می‌توانیم کاربرد این قانون را برای مؤمن عهد جدید تعیین کنیم؟ چیزی که من می‌گویم این است که، دوباره، در مورد این فکر کنید که همه قوانین الهیاتی هستند.

بنابراین، ما باید عهد عتیق را بخوانیم و همیشه از خود پرسیم، این متن چه چیزی در مورد خدا به من می‌آموزد؟ زیرا اگرچه او ممکن است نظارتی نباشد، اما وحیانی است و به ما می‌آموزد که خدا کیست، اینکه او خدای حاکم و مقدس است، او عادل، پاک و منصف است، اما بخشنده و مهربان است، اما باید گناه را مجازات کند. همچنین، هر زمان که شریعت را می‌خوانیم، باید به یاد داشته باشیم که شریعت عهد عتیق، بخشی از پیمان بین یهوه و اسرائیل است. این شریعت ارتباط نزدیکی با اسرائیل به عنوان یک ملت دارد، ارتباط نزدیکی با ورود آنها به سرزمین موعود دارد.

عهد موسی دیگر یک عهد کاربردی نیست. ما دوباره تحت عهد جدید هستیم که برتر است، با وعده‌های بهتر، وعده‌های بهتر به خاطر مسیح، و قربانی بهتر. ما به خاطر خون بزها و گاوها و گوساله‌ها نجات نیافته‌ایم، بلکه به خاطر خون عیسی مسیح است.

بنابراین، این قطعاً یک عهد برتر است. من این نقل قول از داگ مور را دوست دارم و می‌خواهم با این جمله صحبت‌م را تمام کنم. کل شریعت موسی در مسیح به کمال می‌رسد.

و این تحقق به این معنی است که این شریعت دیگر منبع یا داور مستقیم و بی‌واسطه‌ی رفتار قوم خدا نیست. رفتار مسیحی اکنون مستقیماً توسط شریعت مسیح هدایت می‌شود.

من دکتر تیبریوس راتا هستم در تدریسش در مورد الهیات عهد عتیق. این جلسه ۵ است، خدا به عنوان قانونگذار.